نسیم خرد

**Scientific-research Biannual Journal of Islamic Philosophy**

**Vol. 12, Issue 1, successive No. 22, spring - summer 2026**

# A Three-Level Model for Comparing the Intellectual Systems of Mulla Sadra and Augustine[1]

**Seyyed Mohammad Kazem Alavi**[2]

**ABSTRACT**

The comparative study of intellectual systems provides a vital foundation for synergy and the expansion of philosophical knowledge. This objective, however, is realized only when comparative efforts transcend preliminary and fragmented analyses to form a coherent, methodologically rigorous framework. Accordingly, the present study aims to construct a conceptual model for comparing the intellectual systems of Mulla Sadra and Augustine of Hippo. The primary research problem involves articulating an integrated and cohesive comparative analysis of these two thinkers. Employing a qualitative meta-synthesis methodology, this study systematically reviews Persian-language articles, theses, and dissertations dedicated to their comparative analysis. Following the initial coding process, conceptual themes were identified via thematic analysis, and a synthetic analysis was subsequently performed on the aggregated data.

The findings demonstrate that the comparative discourse between Mulla Sadra and Augustine can be structurally categorized into seven major themes: (1) faith and knowledge (*ma'rifa*); (2) God and the divine attributes (*sifat*); (3) creation and time; (4) the human being and the human-divine relationship; (5) divine justice (*al-'adl al-ilahi*) and theodicy; (6) ethics (*akhlaq*); and (7) death and the afterlife (*ma'ad*). The integrative synthesis of these findings yields a three-level conceptual model: the level of convergence and commonality in foundational concepts and philosophical problems (*masa'il*); the level of divergence and disparity in explanatory foundations (*mabani*); and the level of categorical distinction regarding the ultimate logic of salvation (*najat*) and human perfection (*kamal*). This model facilitates the transition from fragmented comparative observations to a coherent, systematic framework, thereby opening new horizons for future comparative studies.

**KEYWORDS**: Mulla Sadra; Augustine; meta-synthesis; problem of Evil; salvation (*najat*); perfection (*Kamal*).

---

1. Received: Desember 14, 2026 Accepted: February 22, 2026

2. Associate Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies; Member of the Health Studies Research Core, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. **Email**: smk.alavi@hsu.ac.ir

نسیم خرد
دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال دوازدهم / شماره اول / پیاپی ۲۲ / بهار ـ تابستان ۱۴۰۵

# مدل سه سطحی مقایسه نظام‌های فکری ملاصدرا و آگوستین[۱]

سیدمحمدکاظم علوی[۲]

**چکیده**

مقایسهٔ نظام‌های فکری می‌تواند بستری برای هم‌افزایی و گسترش معرفت فراهم نماید. این امر وقتی میسر می‌گردد که این مقایسه‌ها از سطح مقایسه‌های اولیه و پراکنده عبور کرده و در یک مدل منسجم و روش‌مند قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف ارائهٔ مدل مفهومی مقایسهٔ میان دو نظام فکری ملاصدرا و آگوستین انجام شده است. مسئلهٔ اصلی این پژوهش، ارائهٔ یک تحلیل یکپارچه و منسجم از مقایسه و تطبیق این دو متفکر است. این پژوهش با روش سنتز پژوهی انجام گرفته و بدین منظور، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های فارسی مرتبط با مقایسه و تطبیق این دو متفکر، مورد بررسی قرار گرفته است. پس از استخراج کدها، مضامین مفهومی با سطح تحلیل مضمونی استخراج گردید و تحلیل سنتزی بر روی یافته‌ها صورت پذیرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که مقایسهٔ میان ملاصدرا و آگوستین در چارچوب هفت مضمون قابل تحلیل می‌باشد: ایمان و معرفت، خدا و اوصاف الهی، آفرینش و زمان، انسان و رابطهٔ انسان با خدا، عدل الهی و تئودیسه، اخلاق، مرگ و حیات پس از مرگ. تحلیل تلفیقی و سنتز یافته‌ها به یک مدل سه سطحی منتهی شد: سطح اشتراک و همگرایی در مفاهیم و مسائل، سطح واگرایی و ناهمسانی در مبانی تبیینی و سطح تمایز در منطق نهایی نجات و کمال. این مدل، امکان عبور از مقایسه‌های پراکنده به تحلیل منسجم و نظام‌مند را فراهم می‌سازد و افق‌های تازه‌ای برای مطالعات مقایسه‌ای در آینده می‌گشاید.

**کلیدواژگان:** ملاصدرا، آگوستین، سنتز پژوهی، مسئلهٔ شر، نجات، کمال.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

۲. (نویسنده مسئول) دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، عضو هسته پژوهشی مطالعات سلامت، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران: smk.alavi@hsu.ac.ir

**۱. مقدمه**

تطبیق ملاصدرا و آگوستین از این لحاظ اهمیت دارد که این دو فیلسوف متعلق به دو نظام فلسفی و الهیاتی در دو فرهنگِ اسلامی و مسیحی از طرفی و دو جریان فلسفی اسلامی و غربی از طرف دیگر هستند و مقایسهٔ این دو متفکر، می‌تواند زوایای پنهان از نظام‌های فکری در دو سنت اسلامی و مسیحی و نیز دو مقطع تاریخی دورهٔ میانه (سده‌های چهارم و پنجم میلادی) و دورهٔ متأخر اسلامی (سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی) را نمایان سازد.

پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، فاقد یک تحلیل یک‌پارچه و منسجم از مقایسهٔ این دو نظام فکری است و نیاز است که از سطح تحلیل پراکنده و موردی و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های اولیه فراتر رفت و به یک تحلیل منسجم رسید تا بر اساس آن، بتوان افق‌های جدیدی پیش روی پژوهش‌گران باز کرد و به توسعه و گسترش دانش پرداخت.

پژوهش های موجود مسائلی مانند ایمان، عقلانیت، خدا، انسان، آفرینش، مسئلهٔ شر و معاد را در این دو متفکر مورد مطالعه قرار داده و مقایسه نموده‌اند، اما به صورت مجزا و مستقل از یکدیگر است و در یک چارچوب واحد و یک‌پارچه‌ای قرار نگرفته است. بر این اساس، این پژوهش با رویکردی سنتزپژوهانه، در صدد ارائهٔ فراتحلیلی از این مطالعات است تا با تمرکز بر سنتز تحلیلی، مدل مفهومی مقایسه را بیان نموده و تحلیل ارتقاءیافته‌ای از مقایسه و تطبیق این دو نظام فکری ارائه نماید. پرسش اصلی این پژوهش اینست که چگونه می‌توان بر اساس سنتز مضامین مطالعات مقایسه‌ای میان ملاصدرا و آگوستین، مدلی برای مقایسهٔ نظام‌های فکری این دو متفکر ارائه کرد؟

نوآوری اصلی این پژوهش، در روش انجام پژوهش به صورت سنتزپژوهانه است که در نتیجهٔ آن، به یک فراتحلیل دست یافته می‌شود. در این پژوهش، پس از بیان یافته‌های پژوهش و بحث دربارهٔ آن‌ها، سنتز نهایی به صورت طراحی یک مدل صورت می‌پذیرد که بر اساس آن، یک تحلیل چند سطحی ارائه می‌گردد. با این کار، مقایسهٔ مسائلی که پژوهش‌گران انتخاب نموده و آن‌ها را بررسی کرده‌اند و به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها پرداخته‌اند در چند سطح مورد تحلیل قرار می‌گیرد و به صورت مدلی مفهومی ارائه می‌شود که زمینه را برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌سازد.

## ۲. روش پژوهش

### ۲-۱. نوع پژوهش

روش این پژوهش به لحاظ ماهوی، یک روش کیفی است و از میان روش‌های کیفی، روش سنتزپژوهی برگزیده شد تا بتواند به هدف پژوهش که ارائهٔ یک مدل مفهومی از مقایسهٔ میان این دو متفکر است، برسد. این مدل نیاز به تحلیل معنایی و یک فراتحلیل دارد که بتواند بر اساس مضامین منابع باشد، از این رو، سنتزپژوهی انتخاب شده است. در این روش، سنتزپژوهیِ مفهومی برگزیده شده است که در آن از تکنیک‌های تحلیل مضمون، یعنی کدگذاری به عنوان ابزار تحلیل و ترکیب نظام‌مند مطالعات کیفی بهره جسته است (Thomas & Harden, 2008). این پژوهش با روش ترکیب مضمون، به توسعهٔ مضامین تحلیلی از طریق سنتز مفهومی در سطح توصیف و سپس یافتن تبیین‌هایی برای مسئلهٔ مورد پژوهش انجام شده (Ring et al., 2011: p. 20) و با عدم توقف در سطح توصیف، به لایهٔ نهایی تحلیل گام می‌نهد و به ارائهٔ مدل مفهومی خود بر اساس تحلیل پژوهش می‌پردازد.

### ۲-۲. جمع‌آوری منابع

برای انجام پژوهش، نخستین گام، شناسایی منابعی است که به مقایسهٔ آراء و نظرات این دو متفکر پرداخته است. این منابع محدود به مطالعات فارسی بوده که بدون محدودیت زمانی در یافتن آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفته و تمام مطالعاتی که از لحاظ زمانی تا زمان انجام پژوهش، یعنی پاییز ۱۴۰۴ صورت پذیرفته و منطبق با معیارهای تعیین شده است را شامل می‌شود.

فرآیند شناسایی منابع، با تعیین پایگاه‌های داده‌ها شروع می‌شود. در این تعیین‌سازی معیارهای ورودی پژوهش که در ادامه می‌آید، دخیل هستند. بر این اساس، با توجه به اینکه منابع مقالات فارسی مد نظر بوده است، پایگاه‌های نورمگز، مگیران و مگاپیپر برای جستجو انتخاب شده است. یکی از منابع دیگری که مد نظر این پژوهش بوده است، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکترا، با عنوان ترکیبی و اختصاری پارساها می‌باشد؛ برای جستجوی این پارساها، از ایران‌داک استفاده شده است که مرجع اصلی پارساها است. برای تکمیل فرآیند شناسایی، معیارهایی معین شد که شمول مطالعات را بررسی کند و نیز معیارهایی که مطالعات غیر مرتبط را خارج کند که با عنوان معیارهای ورود و خروج در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: معیار پژوهش منابع

| عنوان | معیار پذیرش |
|---|---|
| زبان پژوهش‌ها | فارسی |
| بازهٔ زمانی انجام پژوهش‌ها | بدون بازه<br>تمام منابع پایگاه‌های جست‌وجو |
| نوع مطالعه | پژوهش‌های چاپ شده در مقالات نشریات علمی و پارساها |
| معیارهای ورود | ۱. به مقایسه یا تطبیق نظریات و آراء ملاصدرا و آگوستین پرداخته باشند.<br>۲. واجد یک روش مقایسه‌ای حداقل در حد بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های آراء و نظریات ملاصدرا و آگوستین باشند.<br>۳. به صورت دستآوردهای پژوهشی معتبر دانشگاهی در پارساها و نشریات منتشر شده باشند. |
| معیارهای خروج | ۱. تنها به بیان نظرات ملاصدرا و یا آگوستین پرداخته باشند.<br>۲. تنها به توصیف آراء و نظریات ملاصدرا و آگوستین به طور جداگانه پرداخته باشند و فاقد یک مقایسهٔ حداقل در حد بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها باشند.<br>۳. تنها به بیان نظرات فلاسفه اسلامی به طور کلی پرداخته باشند. |

### ۲-۳. پژوهش‌های وارد شده

جستجو از پایگاه‌های داده که با تعیین کلیدواژه‌ها بر اساس موضوع و هدف پژوهش صورت پذیرفت. پس از بررسی و غربال‌گری، کلیدواژه‌های منفرد زیر برای جستجو در پایگاه‌های داده معین گردید: ملاصدرا، صدرالمتألهین، صدرا، آگوستین، آگوستینوس و با اضافه شدن مقایسه و تطبیق به صورت ترکیبی در جستجوهای عادی و پیشرفته.

در مرحلهٔ غربال‌گری، منابع نامرتبط و غیرمرتبط جدا شدند و تنها منابع مرتبط باقی ماندند. در این مرحله، پس از بررسی عنوان، به ترتیب چکیده و محتوا نیز مورد بررسی قرار گرفت. یکی از مواردی که در پژوهش‌های منتخب مورد توجه قرار گرفت، مشابهت نتایج مقالات مستخرج از پارساها با خود پارساها بود. بر این اساس، پارساهایی که دارای مقالات مستخرج بودند و مقالات مستخرج به عنوان حاصل پارسا مورد بررسی قرار گرفتند و کفایت بررسی داشتند از بررسی پارساها خودداری شد و در فهرست پژوهش‌های منتخب با عنوان مقالات مستخرج به همراه عنوان پارسا ذکر می‌گردد. بر این اساس ۱۷ پژوهش به عنوان پژوهش‌های نهایی برگزیده شده که در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول شماره ۲: پژوهش‌های واردشده

| ردیف | نویسندگان | عنوان | موضوع محوری |
|---|---|---|---|
| ۱ | زمانی، زهره؛ اکبری، فتحعلی | بررسی و تحلیل ماهیت خلود اهل عذاب از منظر آگوستین و ملاصدرا | خلود اهل عذاب |
| ۲ | محمود کلایه، زهرا؛ اکبریان، رضا؛ سعیدی‌مهر، محمد | عقلانیت از نظر آگوستین و ملاصدرا | عقلانیت |
| ۳ | حسینی شاهرودی، سیدمرتضی؛ مسعودی، جهانگیر؛ دارابی، کوکب | رابطه و اختیار و شرور اخلاقی از دیدگاه ملاصدرا و آگوستین | اختیار و شرور اخلاقی |
| ۴ | زنگنه‌تبار، دکتر سجاد | آموزش اسماء و صفات الهی از دیدگاه آگوستین و ملاصدرا و تأثیر آن در سبک زندگی ایمانی | اسماء و صفات الهی |
| ۵ | کاکائی، قاسم؛ جباره ناصرو، محبوبه | بررسی تطبیقی مرگ‌اندیشی از دیدگاه آگوستین قدیس و ملاصدرا | مرگ‌اندیشی |
| ۶ | کاکائی، قاسم؛ جباره ناصرو، محبوبه | بررسی تطبیقی ارتباط مرگ و گناه در آثار آگوستین قدیس و ملاصدرا | مرگ و گناه |
| ۷ | حسینی شاهرودی، سیدمرتضی؛ دارابی، کوکب | پاسخ‌های فلسفی ملاصدرا و آگوستین به مسئلهٔ شر | مسئلهٔ شر |
| ۸ | کرمی قهی، محمدتقی | معادشناسی تطبیقی (مقایسه تطبیقی معاد جسمانی نزد صدرالدین شیرازی و آگوستین) | معادشناسی |
| ۹ | عابدی، احمد؛ منفرد، مهدی | بررسی و تطبیق بحث زمان در فلسفهٔ سنت آگوستین و صدرالمتألهین | زمان |
| ۱۰ | قلی‌زاده خوش‌بیان، مهدی | رابطهٔ انسان و خدا از نظر صدرالمتألهین و سنت آگوستین | رابطهٔ انسان و خدا |
| ۱۱ | هاشمی‌زاده، فاطمةالسادات | دین و اخلاق از دیدگاه صدرالمتألهین و سنت آگوستین | دین و اخلاق |
| ۱۲ | مرادی، احمدرضا | بررسی تطبیقی عقل و وحی از نظر ملاصدرا و آگوستین | عقل و وحی |
| ۱۳ | عندلیب، نفیسه | بررسی تطبیقی معناشناسی اوصاف الهی از دیدگاه ملاصدرا و آگوستین | اوصاف الهی |

| ردیف | نویسندگان | عنوان | موضوع محوری |
|---|---|---|---|
| ۱۴ | قاسمی زواجری، زهرا | چگونگی آفرینش از دیدگاه آگوستین و ملاصدرا | آفرینش |
| ۱۵ | سالاروند، زهرا | بررسی تطبیقی رابطهٔ ایمان و عقلانیت از دیدگاه آگوستین قدیس و ملاصدرا | ایمان و عقلانیت |
| ۱۶ | امیرخنافره، محمد | ماهیت زمان در اندیشهٔ ملاصدرا و آگوستین | زمان |
| ۱۷ | مرادی، علی | تأثیر فرشتگان در رستگاری انسان در اندیشهٔ آگوستین و ملاصدرا | فرشتگان |

### ۲-۴. فرآیند تحلیل و سنتز داده‌ها

فرآیند سنتز بر اساس تکنیک سنتز مضمونی انجام شده است که در سه مرحله انجام می‌گیرد. این سه مرحله به این صورت بیان شده است: ۱. کدگذاری آزاد؛ ۲. سازماندهی کدهای آزاد در مضامین توصیفی؛ ۳. توسعه مضامین تحلیلی (Thomas & Harden, 2008: p. 4 of 10).

این فرآیند با کدگذاری اولیه و باز آغاز می‌شود که در این گام، منابع مطالعه‌شده و معانی مرتبط با پژوهش، به صورت مستقیم، از منابع مختلف استخراج می‌گردد و مبنای کدگذاری سطح دوم می‌شوند. در این گام برای هر منبع یک جدول تهیه شد و دیدگاه‌های مقایسه‌ای آن‌ها به تفکیک موارد اشتراک و اختلاف و نیز ساختارها و مبانی بیان شده در ردیف‌های جدول درج گردید. به دلیل تفصیلی بودن این کدها از ذکر جداول مربوط اجتناب می‌شود و در ضمن کدهای سازماندهی به آن‌ها اشاره می‌شود.

کدهای اولیه با یکدیگر ترکیب می‌شوند و مضامین و تم‌های پژوهش را تشکیل می‌دهند. هر تم یا مضمون یک خوشه‌ای محسوب می‌شود که کدهای باز اولیه را سازماندهی می‌کند، اما در حد کدهای توصیفی و تنها سازمان‌دهنده باقی می‌ماند که ذیل هر یک، تعدادی کد اولیه با توجه به ارتباط آن‌ها با یکدیگر قرار می‌گیرد. این تم‌ها، قلب پژوهش محسوب می‌شوند و در واقع مواردی هستند که پژوهش‌ها به طور مشترک حول آن‌ها بحث کرده‌اند. تم‌ها یا مضامین استخراج شده در این مرحله در یافته‌ها بیان می‌شوند. یافته‌های پژوهش بر این اساس در چند محور سازماندهی می‌شوند تا پایهٔ بحث و سنتز نهایی قرار گیرند.

## ۳. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش بر مضامینی متمرکز است که با خوشه‌بندی و سازماندهی کدهای باز اولیه به دست

آمده‌اند و سطح دوم از مضامین را شکل می‌دهند. همانطور که قبلاً در ضمن فرآیند سنتز بیان شد، این قسمت، مهم‌ترین بخش پژوهش هستند که به عنوان یافته‌ها از آن یاد می‌شوند و در ضمن آن‌ها است که به کدهای باز اولیه نیز اشاره می‌شود و از ذکر کدهای باز اولیه به دلیل طولانی شدن خودداری می‌شود.

تحلیل کدهای باز اولیه مستخرج از مطالعات و پژوهش‌های منتخب دربارهٔ مقایسهٔ ملاصدرا و آگوستین، نشان می‌دهد که مواجههٔ پژوهشگران با این دو متفکر، در چند محور اصلی متمرکز است. این محورها که در قالب تم‌ها و مضامین سازمان‌دهنده قرار می‌گیرند، به توصیف روش‌مند پژوهش‌ها اهتمام دارد و تصویر نسبتاً روشنی از جهت‌گیری‌های پژوهش‌های مقایسه‌ای موجود را ارائه می‌کند.

### ۳-۱. مضمون ایمان و معرفت

نخستین محور، معرفت‌شناسی و نسبت عقل با ایمان و وحی است، ملاصدرا و آگوستین در معرفت‌شناسی، هر دو دارای دیدگاهی رئالیستی و مبناگرایانه هستند. علاوه بر معنای رایج از مبناگرایی در تعقل، تصویری بنیادی‌تر از تعقل را ارائه داده‌اند که در آن، تعقل بر مبنای شهود حقایق عقلی بیان شده و عقلانیت استدلالی تنها بخشی از آن تصویر کلی محسوب می‌شود. فرآیند تعقل از اشتراکات فکری این دو متفکر قلمداد شده، فرآیندی که بر مبنای شهود حقایق عقلی ترسیم شده و یک فرآیند دوسویه و ذومراتب است (محمود کلایه، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۲۹). توانایی محدود عقل و مستقل نبودن آن و نیاز به منبع نور و اشراق الهی در هر دو نظام فکری بیان شده است (مرادی، ۱۳۹۰: ۸۴؛ قس: سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۸). در این زمینه، آگوستین به اشراق الهی توجه بیشتری نشان می‌دهد و وی را به دیدگاه متأخر خود در ایمان‌گرایی سوق می‌دهد. مبنای این توجه، نقش اراده در تعقل است که آن را مؤلفهٔ اساسی تعقل می‌داند. هم‌چنین به عنصر عشق توجه دارد و بر تقدم اراده بر ایمان و معرفت تاکید می‌کند (سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۲۹؛ محمود کلایه، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۷)، اما ملاصدرا اراده را تابع تعقل می‌داند و به تقدم معرفت بر اراده اعتقاد دارد. بر این مبنا، علم و معرفت، اساس ایمان قلمداد می‌گردد (سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۲۹؛ محمود کلایه، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۷).

در رابطهٔ ایمان و عقل، ملاصدرا و آگوستین بر غایت مشترک ایمان و عقل تأکید دارند، به این صورت که آگوستین، سعادت را هدف ایمان و عقل می‌داند و ملاصدرا معرفت خداوند را هدف مشترک فلسفه و دین برمی‌شمرد. هم‌چنین هر دو متفکر در تقدم ایمان بر نوعی عقل اشتراک دارند، به این صورت که آگوستین، عقل شهودی یا شهود عقلانی را پیامد ایمان می‌داند و ملاصدرا نیز برای تفکر و تعقل، صدق نیت و صفای باطن را ضروری می‌داند و منوط به آن‌ها می‌کند و این بدان معناست که هر دو متفکر، در مواجهه با محدودیت عقل، بر ترجیح ایمان تاکید می‌کنند (سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۹).

یکی از تفاوت‌های ملاصدرا با آگوستین در بیان کارکردهای عقل و سازوکار دوگانهٔ عقل است که ملاصدرا آن را با تفصیل بیشتری بیان کرده است و حال آن‌که در آگوستین به اجمال بیان شده است (محمود کلایه، ۱۳۹۶: ۱۳۸-۱۳۹). مثلاً در حالی که آگوستین به تمایز دو مرتبه از کارکردهای عقل و به تبع آن دو مرتبه از معرفت، یعنی معرفت حکمی و معرفت تجربی اشاره می‌کند، اما ملاصدرا مراتب متعددی برای تعقل و در نتیجه معرفت در نظر می‌گیرد. این تفاصیل در معرفت کلی نیز دیده می‌شود که در آن معرفت به پنج مرتبه تقسیم می‌شود: ۱. معرفت عام، کلیت مأخوذ از صور حسی؛ ۲. معرفت خاص، کلیت ابهامی و کلیت غیرمأخوذ از صور حسی؛ ۳. مشاهدهٔ مفارق عقلی و اتحاد نفس با موجود عقلی که کلیتی ذهنی و مفهومی نیست و کلیتی سعی (توسعهٔ وجودی و احاطه و شمول خارجی) است (محمود کلایه، ۱۳۹۶: ۱۳۵-۱۴۳).

در زمینهٔ عقل و وحی، آگوستین بیش از ملاصدرا بر وحی و نیازمندی به وحی تأکید می‌کند و در حالی که معرفت ذات و اسرار دین و اطوار شرع و اموری مانند تثلیث را که راز وحیانی هستند از دسترس عقل خارج می‌داند، ملاصدرا تنها اموری از نفس‌شناسی و امور اخروی را خارج از محدودهٔ عقل می‌داند (مرادی، ۱۳۹۰: ۸۵-۹۰؛ سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۲۸). برجسته‌ترین اختلاف نظر ملاصدرا با آگوستین در امکان تعارض عقل با وحی است که آگوستین این تعارض را تأیید می‌کند و بر وجود گزاره‌های خردستیز صحه می‌گذارد و ایمان بدون برهان عقلی را می‌پذیرد، اما ملاصدرا به رغم تأیید حقایقی فراتر از عقل، آن‌ها را خردگریز و نه خردستیز قلمداد می‌کند، لذا هماهنگی میان عقل و شرع نزد آگوستین نسبت به ملاصدرا کم‌رنگ‌تر می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۸).

یکی از مشهورترین جملات آگوستین این جمله است: «ایمان بیاور تا بفهمی» که حاکی از تقدم ایمان بر فهم است. این فهم مابعد ایمان است و منکر فهم ماقبل ایمان می‌باشد؛ مسئله‌ای که در ملاصدرا تحقق دارد برخلاف او و به عقیدهٔ ملاصدرا، ایمان شرط فهمیدن نیست و بر آن تقدم ندارد. البته آگوستین برای اثبات وجود خدا، قائل به اقامهٔ برهان است، اما فعالیت عقل را بیشتر پس از ایمان دانسته و فهم را پاداش ایمان می‌داند (مرادی، ۱۳۹۰: ۸۹). این نوعی تقدم عقل بر ایمان است که می‌توان آن را تقدم عقل استدلالی دانست که در آگوستین وجود دارد و با آن عقلی که پیامد ایمان است و آن را باید عقل شهودی یا شهود عقلانی دانست، متفاوت است (سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۲۸-۱۲۹)

در اساس ایمان نیز اختلاف این دو تعیین‌کننده است. ملاصدرا معرفتی بودنِ ایمان بر اساس تصدیق منطقی گزاره‌ها را مطرح می‌کند، ولی آگوستین بیان می‌دارد که ماهیت و اساس ایمان، تصدیق است و آن تصدیقِ نفس است؛ زیرا ایمان، فعلی نفسانی است و اساسِ هر کدام از ایمان و معرفت، اراده است.

به دنبال این اختلاف، ملاصدرا ایمان مبرهن را بر ایمان ساده اولویت می‌دهد، ولی آگوستین، ایمان مبرهن و ایمان ساده را هم‌ارزش می‌داند (سالاروند، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

### ۳-۲. مضمون خدا و اوصاف الهی

ملاصدرا و آگوستین، هر دو نظام‌های الهیاتی را بیان کرده‌اند که در آن‌ها به مباحث خداشناسی و مباحث مرتبط پرداخته شده است. از نظر ایشان، شناخت خداوند فطری است، اما در عین حال قائل به برهان‌پذیری وجود خدا هستند؛ برهان‌هایی را اقامه کرده‌اند که بالاترین جایگاه هستی‌شناختی را به خداوند می‌دهد، اما برخلاف افلوطین، آن را ورای موجودات نمی‌دانند و واقعی محسوب می‌کنند (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۷۹؛ عندلیب، ۱۳۹۰: ۳۷-۵۴؛ ۱۵۵-۱۵۶). مهم‌ترین برهان آگوستین، برهان شناخت مبتنی بر ضرورت اشراق و شناخت انسان و مهم‌ترین برهان ملاصدرا، برهان صدیقین مبتنی بر اصالت وجود و تشکیک وجود است (عندلیب، ۱۳۹۰: ۱۵۵). برهان دیگرِ آگوستین، برهان نظم است که با حل مسئلهٔ شر آمیخته است (حسین شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴).

پس از وجود خدا، اسماء و صفات الهی در خداشناسی مطرح می‌شود که نقطهٔ اشتراک هر دو متفکر، رویکرد عقلی ایشان به این مباحث است (زنگنه‌تبار، ۱۴۰۲: ۳). ملاصدرا در عین بیان سلبی، به معرفت ایجابی قائل است و در دیدگاه تنزیهی محض توقف نمی‌کند و مبنای دیدگاه خود را اشتراک معنوی بیان می‌کند؛ ولی آگوستین، تنها از طریق سلبی و با یک دیدگاه تنزیهی به بیان صفات می‌پردازد، هر چند این دیدگاه تنزیهی به تعطیلیِ عقول از شناخت منجر نمی‌شود (عندلیب، ۱۳۹۰: ۸۵-۸۷، ۱۲۱-۱۲۵، ۱۵۶). در دیدگاه هر دو متفکر، خداوند واجب الوجود و کمال محض است (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۸۰) و عاری از هر گونه نقص و محدودیتی می‌باشد. هر دو متفکر قائلند که خداوند واجد همهٔ کمالات است و این کمالات عین ذات هستند (عندلیب، ۱۳۹۰: ۱۳۸، ۱۵۶).

### ۳-۳. مضمون آفرینش و زمان

حدوث عالم بر مبنای خلق از عدم در آگوستین با حدوث عالم که ملاصدرا بر مبنای حرکت جوهری اثبات می‌کند، متفاوت است، اما به هر روی، دلیل نیازمندیِ عالم به خداوند را همین حدوث عالم می‌دانند. آفرینش عالم به مثابه تنزل و تجلی و بر اساس فیض و عنایت الهی صورت پذیرفته است. آگوستین این خلقت را یک‌باره و ملاصدرا به واسطهٔ عقول می‌داند. به نظر ملاصدرا، عقول واسطه در پیدایش کثرات بوده‌اند. ابتدا عقل به عنوان صادر اول خلق شده و سپس به واسطهٔ کثرتِ به‌وجودآمده،

خلقت گسترش می‌یابد؛ اما در نظر آگوستین، ابتدا همه به صورت عقول بذری بدون واسطه بین خدا و مخلوقات خلق شده است (قاسمی زواجری، ۱۳۹۲: ۹۶-۱۰۸). فرشتگان به مثابه عقول، در نظر ملاصدرا در خلقت تأثیرگذارند و نقش هستی‌شناختی دارند، اما در نظر آگوستین، هیچ نقش هستی‌شناختی ندارند (مرادی، ۱۴۰۳: ۲۱۷-۲۱۸).

یکی از مباحثی که در ارتباط خدا با جهان و نفس مطرح می‌شود، بحث زمان است و برای پاسخ به اشکالات و شبهات مانویان در آگوستین و متکلمان در ملاصدرا است. در خلقت زمانی عالم، آگوستین موجودات را متغیر می‌داند. به نظر ملاصدرا خداوند بدین معنا که خارج از زمان و زمانیات است، سرمدی است و آگوستین نیز بیان می‌کند که سرمدیت هیچ پیوندی به گذشته ندارد و همه چیز حال است؛ در واقع، زمان از تعداد زیادی حرکت به دست می‌آید که به طور مستمر یکدیگر را پشت سر می‌گذارند و این در سرمدیت نیست (خنافره، ۱۳۹۲: ۸۷-۹۰).

این بحث از طرفی با نفس نیز مرتبط است و لذا علاوه بر آن که با خلقت همراهی می‌کند، بر ذهنی بودنِ آن تأکید می‌شود (عابدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱، ۲۴۵؛ خنافره، ۱۳۹۲: ۸۸-۹۱). در نگاه این دو متفکر، بین انسان و زمان رابطه‌ای فلسفی وجود دارد، به گونه‌ای که میان زمان و وجود انسان آمیختگی تصور می‌شود. در اندیشهٔ ملاصدرا، زمان نحوه وجود است و آگوستین انسان و زمان را ملازم یکدیگر می‌داند و زمان را انبساط نفس در خاطره و انتظار تعریف می‌کند (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۴۶). انتزاعی و ذهنی بودن زمان در هر دو متفکر وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان آن را معقول ثانی فلسفی دانست که در ملاصدرا با این اصطلاح مواجه هستیم. ملاصدرا بر اساس اصالت وجود و حرکت جوهری، زمان را بعد چهارم ماده می‌داند. زمان نحوه وجود سیال موجودات مادی است که عقل آن را از نحوه اجسام و موجودات مادی انتزاع می‌کند (عابدی، ۱۳۸۸: ۲۴۱، ۲۴۹).

آگوستین هیچ واقعیت خارجی برای زمان قائل نیست و تأکید می‌کند که هرگز نمی‌توان زمان را با مقیاس خارجی اندازه‌گیری کرد. آگوستین به وضوح بیان می‌کند که زمان وجود ندارد و واقعیتی انفسی دارد و در این زمینه، نظریهٔ مهمی را مطرح می‌کند که زمان برابر انبساط روح و نفس دانسته شده است. زمان انبساط نفس در خاطره و انتظار است (خنافره، ۱۳۹۲: ۸۸-۹۱؛ عابدی، ۱۳۸۸: ۲۴۷-۲۴۸).

### ۳-۴. مضمون انسان و رابطهٔ انسان با خدا

از نظر این دو متفکر، نفس دارای قوایی است که در سه مرتبهٔ نفس نباتی، نفس حیوانی (در ملاصدرا) یا نفس ذی‌شعور (در آگوستین) و نفس ناطقه یا عاقله قرار می‌گیرد. انسان اشرف مخلوقات است و بزرگ‌ترین

آیت و نشانهٔ خداست و بر تمام خلایق برتری دارد، البته در صورتی که تسلیم خدا باشد (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۴۶، ۹۶). انسان متشکل از بُعد جسمانی و روحانی یا نفسانی است که در اصطلاح‌شناسی فلسفی و کلامی، به آن ثنویت یا دوگانه‌انگاری گفته می‌شود که یک سنت افلاطونی و به تبع آن نوافلاطونی است. هر دو متفکر، هویتی یگانه برای انسان قائل هستند و نقش اصلی را به نفس یا روح می‌دهند و نفس را حقیقی و بدن را ابزاری می‌دانند. آگوستین با تمثیل افلاطونیِ قفس تن، به بیان این رابطه می‌پردازد. این پیوند عرضی و مصنوعی است که با نظر ملاصدرا متفاوت است. در نظر ملاصدرا، نفس و بدن، هر دو مراتبی از آن حقیقت بوده و دارای پیوند ذاتی و طبیعی می‌باشند که بر اساس حرکت جوهری و تشکیک وجود، سفری از ماده و جسمانیت را شروع کرده، تا مراحل تکامل را طی کنند و به نفس برسند؛ در واقع، بدن مرتبهٔ نازلهٔ حقیقت انسانی است و نفس مرتبهٔ بالاتر؛ بر همین اساس است که اختلاف در حدوث نفس نیز بروز می‌کند. آگوستین نفس را حادث می‌داند، اما بر اساس سنت افلاطونی، معتقد است که نفس پیش از بدن حادث است. ملاصدرا حدوث نفس را جسمانی می‌داند که در یک سیر تکامل و جوهری و سیر صعودی از مرتبهٔ نازلهٔ جسم تا مرتبهٔ بالاتر نفس رخ می‌دهد. نفس در ملاصدرا، جوهر بسیط و حقیقت ذومراتب است که دفعتاً مجرد نمی‌شود، بلکه مراتب تجرد را یکی پس از دیگری طی می‌نماید تا به تجرد تام عقلی در قوس صعود برسد (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸؛ قس: کاکایی، ۱۳۹۸: ۱۴-۱۷).

رابطهٔ انسان با خدا از منظر هر دو متفکر، به رابطهٔ میان بی‌نیاز با نیازمند و کامل با ناقص است و خدا باعث تکامل انسان می‌شود؛ در اثر ارتباط و اتصال به خدا، انسان به کمال نهایی می‌رسد و سعادت حقیقی، تنها از آنِ خداوند است (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۴۶-۴۷، ۹۸-۹۹). به نظر ملاصدرا در قوص صعود، این انسان است که نقش تعیین‌کننده دارد و انسان عادی می‌تواند به بالاترین درجهٔ کمال وجودی برسد؛ اما به نظر آگوستین، این امر کاملاً ذیل ارادهٔ الهی تحقق می‌یابد و انسانِ زمینی که با هبوط تنزل یافته و بدبخت شده است، تنها با اتکا به ارادهٔ الهی، امکان تکامل، بخشش و رسیدن به خدا را دارد و در این زمینه، ارادهٔ انسان کاملاً ذیل ارادهٔ خداوند و واسطه‌های زمینیِ آن تعریف‌پذیر است (کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

از منظر ملاصدرا، در رابطهٔ میان انسان و خدا و افتقار او به خداوند این نیازمندی، هم در اصل و هم در دوام است؛ این یک تعلق و ارتباط تکوینی است که هم در اصل و هم در دوام است؛ اما در دیدگاه آگوستین، این نیازمندی یک بُعد دیگر غیر از وجود پیدا می‌کند و آن نجات است. انسان به توجه و لطف الهی محتاج است و اگر لطف الهی نباشد، اختیار توانایی نجات انسان را ندارد. میان انسان و خدا، نه تنها رابطهٔ وجودشناختی، بلکه رابطهٔ معرفت‌شناختی نیز وجود دارد، به گونه‌ای که خودشناسی و خداشناسی، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. انسان با اتصال به خدا به کمال نهایی می‌رسد و این تکامل،

با تفصیل در سه مرحله استکمالی در ملاصدرا بیان شده و تا جایی می‌رسد که همان‌طور که خدا خلق‌کننده است، انسان هم انشاءِ صورت می‌کند. در آگوستین این تفصیل مطرح نشده است، ولی بیان می‌کند که انسان به عنوان تصویر خدا برای دوست داشتن او، یعنی خیر اعلا خلق شده است و از یک رابطهٔ وجودی به یک رابطهٔ اخلاقی و عرفانی تبدیل می‌شود (قلی‌زاده خوش‌بیان، ۱۳۹۳: ۹۶-۱۰۱)

### ۳-۵. مضمون مسئلهٔ عدل الهی و تئودیسه

بررسی مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که مسئلهٔ شر و اختیار، یکی از نقاط اصلی مورد بررسی بوده است. این دو متفکر، مبانی مشترکی در مسئلهٔ شر دارند. هر دو از جهان‌بینی الهی و توحیدی تبعیت می‌کنند و به دیدگاه افلاطون و افلوطین توجه داشته‌اند. هم‌چنین هدف هر دو، دفاع از اثبات وجود خدا و صفات کمالیهٔ باری‌تعالی به مسئلهٔ شر پرداخته‌اند و تئودیسه را مطرح کرده‌اند و بر بعد کلامی آن بیشتر اهتمام ورزیده‌اند، هرچند پاسخ آن‌ها به مسئلهٔ شر، یک پاسخ ترکیبی با فلسفه می‌باشد (حسینی شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴؛ حسینی شاهرودی و دارابی، ۱۳۹۵: ۱۱ ). اصل خیر بودن موجودات و توحید در خالقیت حفظ شده است و هم‌چنان که آگوستین در تقابل با مانویان زمان خود، این دفاعیه‌ها را مطرح می‌کند، ملاصدرا نیز در تقابل با زرتشتیان به دفاع می‌پردازد (حسینی شاهرودی و دارابی، ۱۳۹۵: ۱۱).

در نظر این دو متفکر، شر، فقدان خیر است و راه حل شر نیز مبتنی بر عدمی بودن آن است که هم برای شرورِ طبیعی و هم برای شرورِ اخلاقی به کار می‌رود (حسینی شاهرودی و دارابی، ۱۳۹۵: ۸-۱۱). شر امری عدمی است که با رویگردانی از حقیقت الهی به وجود می‌آید و مانع سعادت بشری و دورکننده از حقیقت خود است (هاشمی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۵، ۱۶۸).

نسبی دانستن شر، راهکار دیگری است که در هر دو نظام وجود دارد. شرور به خودیِ‌خود شر نیستند،بلکه در مقایسه با سایر اشیاء، شر محسوب می‌شوند. راه حل دیگری که به آن پرداخته شده است، نظام احسن است. دلایل مشترکی هم بر وجود نظام احسن اقامه شده است؛ نخستین دلیل، به نظام هستی به‌عنوان یک مجموعه اشاره دارد که در آن، کلّ هستی به‌مثابه نظامی خیر دیده می‌شود که در آن، شرور در نسبت با کل عالم، خیر بوده و با جزئی‌نگری است که شر پدیدار می‌گردد. هم‌چنین می‌توان از طریق برهان لمی، بر نظام احسن برهان اقامه کرد. خداوند، عالِم مطلق، قادر مطلق و خیرخواه یا جواد مطلق است و اگر نظام بهتری می‌بود، خلق می‌کرد. دلایل دیگر عبارتند از سنخیت علت و معلول و قلیل بودن شرور نسبت به خیرات (حسینی شاهرودی و دارابی، ۱۳۹۵: ۴-۱۱).

هر دو متفکر، شرور اخلاقی را لازمهٔ اختیار دانسته و بر این اساس، آن‌ها را موجه ساخته‌اند. اختیار به

عنوان یک اصل که تعارضی با ضرورت علی و معلولی ندارد، مطرح می‌شود و با این استدلال که جبر مستلزم توالی باطلی همچون باطل دانستن حکمت، برکناری عقل از قضاوت‌ها، مسدود کردن باب اثبات صانع، بستن ابواب تفکر و تدبیرهای حیاتی انسان، بی‌فایده بودن وضع قوانین، سرزنش‌ها، ستایش‌ها، گله‌ها، موعظه‌ها و پاداش‌ها و مجازات است، اختیار را اثبات کرده‌اند. اختیار خیر کثیر است؛ قدرت و امکانی برای رسیدن به کمال است و عدم آن، شر کثیر محسوب می‌شود. هر دو متفکر، تعارضی میان علم الهی با اختیار و نیز قضا و قدر الهی با اختیار قائل نیستند (حسینی شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۴-۷۶).

آگوستین برای توجیه موجبیت الهی در اختیار بیان می‌کند که همهٔ افعال، هم فعل الهی هستند و هم فعل انسان. در واقع آنچه فعل انسان است، به نحو اعلیٰ و اشرف و از جهت وجودی، فعل خداوند است، لذا خیر است. اما ملاصدرا با تعبیر فلسفی‌تر بیان می‌کند که برای هر فعل، عللی وجود دارد که اختیار، جزءِ اخیرِ علتِ تامه است و وقتی که اراده به آن اضافه می‌گردد، ضرورت می‌یابد. اختیار، جزئی از نظام علی و معلولی است و تعارضی با آن ندارد، به همین صورت، علم الهی مسبوق به اختیار است و با آن تعارضی ندارد. آگوستین با این استدلال که اگر علم الهی به افعال بدِ انسان‌ها، باعث عدمِ مجازات آن‌ها شود، آنگاه برای افعال صالح هم نمی‌توان پاداش در نظر گرفت، این تعارض را پاسخ می‌دهد؛ اما ملاصدرا بیان متفاوتی دارد. به نظر ملاصدرا، علم خداوند اگر چه مقتضی فعل بنده است، اما بر اساس همین اقتضا، مسبوق به قدرت بنده و اختیار اوست؛ به عبارت دیگر، قضا و قدر الهی به فعل اختیاریِ انسان تعلق گرفته و سلب اختیار، خلاف آن است. درست است که اختیار، خیر است، اما در نظر آگوستین، منوط به فیض الهی است. انسان در انتخابِ بدی مختار بوده و تنها با بخشش و یاری خداوند است که می‌تواند نیکی را انتخاب کند. این نظر را می‌توان با توفیق الهی در الهیات اسلامی نزدیک دانست، اما آنچه مهم است، مبنای این اعتقاد است که گناه، اولیه و ذاتی است و این با عقاید اسلامی سازگار نیست (حسینی شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵-۷۶).

### ۳-۶. مضمون اخلاق و دین

در دیدگاه ایشان، دین و اخلاق از ماوراء الطبیعه جدا نبوده و همچنین این دو از یکدیگر نیز تفکیک‌ناپذیرند (هاشمی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۶۰). دین به اخلاق معنا می‌دهد و اخلاق بدون دین بی‌اهمیت است. ارزش‌های اخلاقی توسط دین به صورت بازتابی نشان داده شده است. وحی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و پل ارتباط خدا با انسان بوده و الهام‌بخش انسان است. زندگیِ اخلاقی از دین نشأت می‌گیرد و این زندگی در آرامش ابدی مؤثر است، به گونه‌ای که بدون آن، دچار عذاب می‌گردد.

اخلاق طبیعی از اخلاق فوق‌طبیعی جدا نیست و غایت اخلاق، رضایت و قرب خداوند و نهایتاً سعادت است. آگوستین سعادت را در عشق و محبت به خدا دانسته و مفاهیم خوب و بدِ اخلاقی را از پیش‌تعیین‌شده می‌داند؛ اما ملاصدرا، اخلاق را مربوط به عقل عملی و تزکیهٔ نفس و تصفیهٔ ذهن دانسته و تأثیر اخلاقیات در زندگی اجتماعی و فردی را بیان می‌کند.

خیر در حقیقت وجود الهی و قدم نهادن در مسیر اعتدال در هر دو نظام فکری تعریف می‌شود و شر، عدمی و مانع سعادت بشری است. مطابق با دیدگاه ملاصدرا، فضیلت صفتی است که نفس با اتصاف به آن، ارزشمند می‌شود و رذیلت صفتی است که از ارزش و اعتبار نفس می‌کاهد. اعتدال، شرط حفظ فضیلت اخلاقی است. فضایل اخلاقی درجه‌بندی شده است و هر چه باعث نزدیک‌تر شدن به تقرب الهی باشد و نفس را بیشتر پالایش نماید، ارزشمندتر است. رذیلت اخلاقی، عملی است که خارج از تعادل انسانی است و باعث دور شدن از تقرب الهی می‌شود. عامل مهم اخلاقیِ رسیدن به سعادت، رعایت اعتدال است. آگوستین، فضیلت را مزین شدن نفس به خیر می‌داند و مانند ملاصدرا به اعتدال معتقد است و افراط و تفریط را باعث سرگردانی روح می‌داند. اعتدال، عطای الهی است و سرچشمهٔ فضیلت فقط و فقط خداست. هدف نهاییِ اخلاق از نظر ملاصدرا، رسیدن به ملکهٔ «عدالت» و از منظر آگوستین، عاشق خدا شدن با رفتار بر اساس عدالت است.

هر دو متفکر، اخلاق را با تزکیهٔ نفس و تطهیر آن از خواهش‌های نفسانی و تعلقات دنیوی پیوند می‌زنند، با این تفاوت که ملاصدرا عمل اخلاقی را به عنوان دستورالعمل دینی می‌داند که هم عقل و هم شرع به آن حکم می‌کند و در نظریهٔ امر الهی هم، خوبی و بدی را کاملاً امر الهی نمی‌داند و به تشخیص عقل قائل است؛ اما آگوستین به نظریهٔ امر الهی قائل است و امر الهی را مقدم بر هر عملی دانسته و خوبی و بدی را تابع امر الهی می‌داند، بدون آن که اختیار را نفی کند.

دین و اخلاق رابطه‌ای تفکیک‌ناپذیر دارند. بنا به نظر آگوستین، اخلاق در چارچوب دین تعریف می‌شود و هم سعادت و هم خودشناسی به عنوان دو منبع اخلاق، از خدا می‌باشند. راه خوبی، عشق به خدا به وسیلهٔ آیین مسیحی و روح‌القدس است و انسانِ اخلاقی، انسانِ عاشقِ خداست. تفکر و تعقل جزء اصلی رسیدن به عشق است، لذا نه به جبرگراییِ اشاعره اعتقاد دارد و نه به حسن و قبح ذاتی معتزلی که مستقل از خداست. ملاصدرا جایگاه عمیق‌تری برای خودشناسی و خداشناسی در اخلاق قائل است و عقل و شرع را هدایت‌کنندهٔ انسان می‌داند. انسان سعادت‌مند با اجرای دستورات دینی، به مبارزه با نفس می‌پردازد و به نور یقین و معرفت می‌رسد. قوهٔ عاقله بر دیگر قوا پیروز می‌شود و به تزکیهٔ نفس دعوت می‌کند که هدف نهایی آن، ایجاد اخلاق بر پایهٔ عدالت است.

بین عدم مسئولیت اخلاقی و عقوبت دینی ارتباط وجود دارد و فقدان مسئولیت اخلاقی باعث عذاب می‌شود. آگوستین مانند ملاصدرا با اشاره به جهل به معرفت نفس و غرق شدن در حب، شهوات و دنیا، آن‌ها را علت عقوبت انسان می‌داند. برای آگوستین و ملاصدرا، عشق علت اطاعت دینی و سعادت اخلاقی است و بدین ترتیب در تفکر دینی و اخلاقی از جایگاه بالایی برخوردار است. در مبحث لذت، ملاصدرا به تفکیک لذات عقلی از لذات حسی می‌پردازد و لذات عقلی را برتر می‌داند. آگوستین اگرچه چنین تفکیکی قائل نمی‌شود، اما در همان لذت‌های حسی، تفکر و عقل در نظر گرفته و در هر دو لذت حسی و عقلی، لذت حقیقی را درک و شناخت حقیقت الهی می‌داند.

### ۳-۷. مضمون مرگ و حیات پس از مرگ

هر دو متفکر به زندگی جاودانه و سعادت ابدی اعتقاد دارند. بیان ملاصدرا بسیار موشکافانه و اثباتی و استدلالی است، اما آگوستین بیشتر عاشقانه و عارفانه سخن گفته است (هاشمی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۶-۱۴۹). دوبعدی بودن انسان، مبنای مهمی در معادشناسی و حیات پس از مرگ برای این دو نظام فکری فراهم می‌کند و زمینهٔ بحث از معاد را فراهم می‌سازد (کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). دوبعدی بودنِ انسان، علاوه بر آنکه مبنایی برای معادشناسی را فراهم می‌سازد، برای مرگ تقسیماتی نیز پدید می‌آورد که قسمی از آن به مرگ نفس اختصاص می‌یابد (کاکایی و جباره ناصرو، ۱۳۹۸: ۱۶).

مرگ جسم یا طبیعی، همگانی بوده و انتقال از عالمی به عالم دیگر است. در کنار مرگ طبیعی، می‌توان از مرگ اختیاری یا ناگهانی نام برد که هر دو، مرگ اضطراری می‌باشند که در مرگ ناگهانی مطابق نظر آگوستین، علاقهٔ نفس به بدن تدریجی نیست و دشوارتر و دردناک‌تر است. ملاصدرا این مرگ را مرگ اختیاری می‌گوید که در آن، خروج نفس از بدن، نه از جهت فعلیت یافتن و تکامل نفس، بلکه به واسطهٔ عاملی ناگهانی و خارجی رخ داده و نفس، بدن را ترک می‌کند و چون تکامل‌نیافته است، دردناک‌تر است (همان: ۱۷-۳۷)

آگوستین مرگ را تحولی دفعی می‌داند و ملاصدرا آن را تحولی جوهری. در نظر آگوستین، به دلیل آنکه پیوند نفس و بدن، یک پیوند عرضی و مصنوعی است، نفس به دنبال شکستن قفس تن و رهایی از آن است، اما در نظر ملاصدرا، پیوند آن دو، ذاتی و طبیعی است، لذا مرحله‌ای تکاملی و جوهری محسوب می‌شود که مرتبه‌ای از کمال وجودی انسان است. مرگ طبیعی در دیدگاه ملاصدرا مانند خواب است و بر اساس تشکیک و اختلاف به مرتبه، خواب، رقیقهٔ مرگ دانسته شده است (همان: ۱۱، ۱۴-۱۵، ۲۶-۲۷). تبیین ملاصدرا، یک تبیین مابعدالطبیعی از مرگ است که با تبیین اخلاقی و کلامی نزد آگوستین متفاوت است.

مرگِ نفس در کنار مرگِ جسم و مرگِ ابدی از اصطلاحاتی است که در آثار آگوستین وجود دارد. مرگ نفس در نظر آگوستین با مرگ دل، قلب و روح در ملاصدرا اشتراک دارد. این مرگ همگانی نیست و عامل آن، دوری و جدایی از خداوند و اهتمام به دنیا و لذت‌های آن است. این مرگ سخت‌تر از مرگ جسم است و عذاب آن ابدی است؛ در صورتی که انسان توبه نکند، در زندگی به رنج ابدی دچار می‌شود و این مرگ ابدی است. آگوستین بر مبنای سخن پولس، ایمان به مرگ فدیه‌وار عیسی مسیح و فیض نجات‌بخش وی را راه نجات می‌داند، اما ملاصدرا راه نجات را ایمان و عمل صالح و پیروی از شرع می‌داند (همان: ۱۶-۲۰).

مرگ ارادی تقسیم‌بندی دیگری است که از اقسام آن می‌توان مرگ عرفانی، مرگ مقدس و خودکشی را نام برد. مرگ عرفانی به معنای تسلط بر نفس و گذشتن از خود است که ملاصدرا در مقام نظر و عمل به آن پرداخته است. مرگ مقدس یا شهادت یعنی فداکردن جان خود در راه حق و حقیقت فدا. ملاصدرا این جان دادن را با محبت الهی، بدون غنیمت و شهرت‌طلبی می‌داند و آگوستین این نوع مرگ را دیگر مجازات گناه نمی‌داند، بلکه فراتر رفته و آن را عامل پارسایی و کمال قلمداد می‌کند؛ این نوع مرگ پاداشی است برای پارسایان (همان: ۲۷-۲۹).

مرگ‌اندیشی دارای آثار و لوازمی است که عبارتند از: معنادار شدن زندگی و پی‌بردن به ناتوانی بشر در حذف مرگ از زندگی. مرگ‌اندیشی با توجه به زندگی پس از مرگ و جاودانگی به زندگی بی‌نهایت معنا می‌بخشد؛ هم‌چنین به ناتوانی و عجز خود پی‌می‌بریم که آگوستین به دلیل اضطراری و اجباری بودن آن، ما را در برابر آن ناتوان می‌داند؛ اما ملاصدرا به تفصیل به آن می‌پردازد (همان: ۲۹-۳۰).

گناه در نظام کلامی و فلسفیِ این دو متفکر، دارای آثار وضعی بوده و عاملی برای از بین بردن ابزار شناختی انسان است که در نتیجهٔ آن، مرگِ قلب و نفس پدید می‌آید (کاکایی و جباره ناصرو، ۱۳۹۷: ۴۹). سببیت گناه در مرگ، موضوعی است که آگوستین و ملاصدرا در آن اختلاف نظر دارند. گناه نخستین، کلید فهم آگوستین از انسان، حیات و مرگ است. شهر زمینی، نتیجهٔ گناه نخستین و به منظور کیفر او پدید آمده است و مرگ، کیفر انسان زمینی است. آگوستین گناه را علت مرگ می‌داند و بر مبنای گناه نخستین و سایر گناهان بیان می‌کند که اگر انسان گناه نمی‌کرد، جاودانه می‌بود؛ اما ملاصدرا میان گناه نخستین و گناه ارادی تفکیک قائل می‌شود و گناه اولیه را نمی‌پذیرد، اما معتقد است که مرگ ارادی باعث مرگ نفس می‌شود (همو، ۱۳۹۸: ۱۱؛ کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). از مرگ نفس می‌توان نجات یافت و این با ایمان و عمل صالح و پیروی از شرع در دیدگاه ملاصدرا و با فیض الهی و فدیهٔ حضرت عیسی علیه‌السلام در نظر آگوستین امکان‌پذیر است (کاکایی، ۱۳۹۸: ۱۹-۲۰).

هر دو متفکر بر ضرورت معاد تأکید دارند و آن را با ابتنای روز رستاخیز بر عدل و حکمت الهی و

دلایل عقلی و نقلی مدلل ساخته‌اند، اما آگوستین بر اساس مسیح‌محوری آن را اثبات می‌کند و سه فصلِ آخرِ کتاب شهر خدا را به آن اختصاص می‌دهد (زمانی و اکبری، ۱۳۹۸: ۷۲؛ کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). هر دو متفکر، معاد جسمانی و رستاخیزِ جسم در آخرت را قبول دارند. آگوستین معتقد است که همین بدن محشور می‌شود، البته بدنی که تبدیل به بدن فسادناپذیر و نامیرا می‌شود، اما برای آن، فرآیندی را بیان نکرده است. در واقع او معتقد است که آگاهی، انسان را محدود می‌کند، به گونه‌ای که نمی‌تواند حقیقت آن را کشف کند؛ اما ملاصدرا بر اساس قوهٔ خیال، عالم مثالِ منفصل و تجسم اعمال و شکل‌گیری بدنِ اخرویِ مثالی را بیان می‌کند و آن را اثبات عقلانی می‌کند (کاکایی و جباره ناصرو، ۱۳۹۸: ۲۰؛ کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). آگوستین در مقام دلیل نقلی برای معاد جسمانی، به رستاخیز حضرت عیسی علیه‌السلام و وعدهٔ کتاب مقدس استناد می‌کند (زمانی و اکبری، ۱۳۹۸: ۷۳-۷۵).

در بحث خلود در عذاب، آگوستین با بیانی بدون تردید آن را مطرح می‌کند و با بیان نمونه، به ایراد بقای جسم در عذاب پاسخ می‌دهد و بیان می‌کند که رنج مربوط به نفس است و نفس با وجود رنج کشیدن، جاوید است؛ هم‌چنین قدرت و وعدهٔ خداوند را مهم‌ترین دلیل بر خلود عذاب می‌داند. گنهکاران و تبهکاران بخشوده نمی‌شوند و دعا و شفاعت کلیسا و قدیسان، تنها شامل حال کسانی خواهد شد که پس از تولد تازه در مسیح، نه چنان بد بوده‌اند که سزاوار چنین ترحمی نباشند و نه چنان خوب که به آن ترحم نیازمند نباشند (همان: ۷۵-۷۷).

برخلاف آگوستین، ملاصدرا بیانی دوگانه دارد و در برخی آثار، بر انقطاع عذاب و در برخی دیگر (آثار متأخر)، بر خلود عذاب معتقد است. نظر ملاصدرا بر عذاب ادراکی یا خیالی مبتنی است که بر اساس آن، عذاب با ادراکات ناشی از صورت‌های خیالی ادراک می‌شود؛ ملاصدرا بر خلاف آگوستین، معتقد به سبقت رحمت الهی بر غضب الهی است (همان: ۷۹-۸۰).

آگوستین نجات ابدی را به صورت رازگونه با مدد فیض الهی برای عدهٔ قلیلی تلقی می‌کند. فیض الهی در کار خوب و نجات سببیت دارد، همانگونه که گناه در مرگ و رنج سببیت دارد. محدودیت نجات ابدی برای برخی، به خاطر گناه اصلی است و کسانی که بتوانند از این عیب موروثی و گناه ذاتی رهایی یابند، به نجات می‌رسند و راه رهایی، اطاعت کامل از مسیح و موهبت مجانیِ فیض مسیح است؛ اما ملاصدرا، سعادت و شقاوت را در گرو تلاش انسان می‌داند، نه غسل تعمید و فیض الهی (همان: ۷۲-۸۱).

ملاصدرا برای فرشتگان، هم بُعد هستی‌شناختی و واسطه در آفرینش قائل است و هم بُعد نجات‌شناختی؛ اما آگوستین بدون بُعد هستی‌شناختی و نقش‌آفرینی در آفرینش، آن‌ها را در نجات مؤثر می‌داند. آگوستین سه مؤلفه برای رستگاری قائل است: فرشتگان، مسیح و کسب فضایل اخلاقی که دو

مؤلفهٔ اول بیرونی هستند. دخیل دانستن عوامل بیرونی در سعادت و رستگاری، نقطهٔ اختلاف با ملاصدرا است؛ زیرا برای ملاصدرا، عامل درونی محوریت دارد و برای آگوستین، عوامل بیرونی محوریت داشته و بدین ترتیب انسان در رستگاری منفعل است. آگوستین برای فرشتگان بُعد معرفت‌شناختی نیز قائل است که عبارتند از: بشارت به مسیح (تجسد)، عروج و بازگشت، و نبرد معنوی بشر با شیطان. انسان‌ها از فرشتگان برای رستگاری الگو می‌گیرند و با آن جاودانه می‌شوند. آگوستین برای فرشتگان بدن هوایی قائل است، لذا تشبه به فرشتگان، هم در روح است و هم در جسم و در اثر تشبه به فرشتگان است که ساکنان شهر خدا می‌توانند خداوند را با چشمان روحانی رؤیت کنند (مرادی، ۱۴۰۳: ۲۰۸-۲۲۲).

## ۴. تحلیل و سنتز نهایی

در این قسمت، ابتدا چند بحث صورت می‌پذیرد و سپس بر اساس آنها، سنتز نهایی ارائه می‌گردد. بحث نخست در این زمینه است که این مضامین چه نسبتی میان آگوستین و ملاصدرا عرضه می‌کنند. تحلیل جامع تم‌ها نشان می‌دهد که نسبت میان آگوستین و ملاصدرا، نه یک نسبت ساده، بلکه یک نسبت پیچیده و دووجهی را نشان می‌دهد که آن را می‌توان هم‌گرایی در عین واگرایی بیان کرد. در لایهٔ اول، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و خداشناسی قرار دارد که در آن، یک هم‌گرایی و خویشاوندی مشاهده می‌گردد که هر دو نظام فکری را در سنت افلاطونی و نوافلاطونی قرار می‌دهد که با الهیات ادیان ابراهیمی سازگار است. این لایه مربوط به تم‌های ۱، ۲ و ۴ است.

در این دو نظام فکری، تصویری که از هستی ارائه می‌شود، یک هستی با عوالم طولی است که مراتب مجرد و مادی دارد. هم‌چنین هستی، تجلی یا مخلوق نوری الهی است که عقل آدمی بدون اشراق و عنایت عوالم بالا به معرفت حقیقی نمی‌رسد. خدا در هر دو نظام فکری، واجد همهٔ کمالات به صورت محض است و این کمالات عین ذات هستند. هر چند آگوستین، الهیاتی سلبی و تنزیهی در این باره دارد، اما دیدگاه تنزیهی وی به تعطیل عقل منجر نمی‌شود؛ در همین راستا، تئودیسه و عدل الهی قرار دارد که عدمی انگاشتن شر، برای حفظ خیر محض بودنِ مبدأ اعلیٰ و خداوند است که میراثی افلاطونی و نوافلاطونی است.

در لایه‌های دیگر که می‌توان انسان‌شناسی، معادشناسی، نجات، آفرینش و زمان در ارتباط جهان و خدا را قرار داد، این تصویر نوعی واگرایی را نشان می‌دهد که از وجود دو نوع پارادایم متفاوت حکایت می‌کند. رویکرد ملاصدرا در آفرینش، به عنوان یک فرآیند واسطه‌ای و نقش عقول و نقش هستی‌شناختی فرشتگان در این فرآیند، ضلعی از واگرایی را نمایان می‌سازد که در تقابل با آفرینشِ دفعی و بدون واسطهٔ آگوستین قرار دارد. در همین ضلع، تصور آگوستین از زمان، به عنوان یک امر انفسی و انبساط نفسانی در تقابل با نظریهٔ فلسفی ملاصدرا دربارهٔ

زمان به عنوان بُعد چهارم و نحوهٔ وجودی اجسام مادی، واگرایی را عمیق‌تر می‌سازد. این واگرایی با تأکید آگوستین بر گناه اولیهٔ ذاتی و تصویر انسانِ هبوط کرده، گناهکار و رهایی از آن، بنیادی‌تر می‌شود.

تأکید آگوستین بر گناه اولیهٔ ذاتی، از انسان یک موجود هبوط‌کردهٔ گناهکارِ نیازمند به فدیه، به تصویر می‌کشد که نجات و رستگاری‌اش منوط به رهایی از آن به مدد فیض الهی است. این تصویر در تقابل با انسان در سیر صعودی کمالی صدرایی بر اساس حرکت جوهری، یک واگرایی بنیادین را ترسیم می‌کند که یک طرفِ آن، انسان گنهکار و جهان تبعیدگاه و طرف دیگرِ آن، انسان جویای کمال در بستر تکامل این جهانی قرار می‌گیرد.

گناه نخستین، کلید فهم تفسیر آگوستین از انسان و به دنبال آن حیات و مرگ انسان است (کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۱۱۱). گناه در ساختار تکوینی بشر تأثیرگذار بوده است. در نگاه آگوستین، حضرت آدم و حوا علیهما السلام، از این گناه توبه نکردند، بلکه دلیل‌تراشی نموده و به گردن یکدیگر انداختند و به طور ذاتی در نهاد انسان قرار گرفت؛ اما ملاصدرا بر اساس تعالیم اسلامی معتقد است که این توبه صورت گرفت و توبهٔ ایشان پذیرفته شد و در همین راستا، خداوند آدم را خلیفة الله قرار داد؛ در واقع، برخلاف نظر آگوستین که این نهی الهی را یک نهی تحریمی و شایستهٔ عقاب می‌دانست، ملاصدرا معتقد بود که این نهی، یک نهی تنزیهی و ارشادی بوده که باعث خروج آدم از بندگی خدا نشده است و با وجود اینکه عقوبت تکوینی به همراه داشت، اما مستلزم عقوبت تشریعی نشده و صرفاً برای مصلحتی بوده است که در مراحل تکوینِ بشر تعریف می‌گردد (کاکایی و جباره ناصرو، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۹).

ریشهٔ اختلافات این دو متفکر به دیدگاه ایشان نسبت به جهان مادی و دنیا برمی‌گردد که در نگاه آگوستین، یک دیدگاه سلبی است، اما در دیدگاه ملاصدرا، زمینه‌ای برای تکامل است. در واقع این تمایزات تمدنی اسلامی و مسیحی است که دنیا در نگاه مسیحیت مذمت شده است، اما در نگاه اسلام، به عنوان مزرعهٔ آخرت معرفی گردیده است و شریعت و احکام زیادی برای زیستن انسان در عالم ماده و زندگی دنیوی ارائه شده است. دنیا یک مرحلهٔ حیات اضطراری برای آگوستین است که اگر گناه اولیه و هبوط انسان نبود، چنین مرحله‌ای هم نبود؛ اما در نگاه ملاصدرا، این دنیا مرحله‌ای ضروری برای انسان است و یکی از مراحل تکامل زیستی انسان است (کرمی قهی، ۱۳۹۵: ۹۹-۱۱۱) که برای حیات انسان ضروری است.

بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که سوگیری یافتن شباهت در محورهایی همچون نظریهٔ اشراقی، عدمی بودن شر، برهان‌پذیری وجود خدا و اوصاف کمالی الهی نمود وجود دارد و حاکی از آن است که پژوهشگران به دنبال ایجاد یک زبان مشترک برای دو نظام فکری بوده که مبتنی بر مشابهت‌های واژگانی مانند نور، تجلی، اشراق، عدمی بودن، عقل و کمال الهی بوده است؛ اما در سوی دیگر، یک تفاوت

مبنایی و ساختاری در اخلاق و نظریهٔ رستگاری و نجات قرار دارد که نیاز به واکاوی عمیق‌تری دارد.

بحث دیگر، سوءبرداشت‌هایی است که می‌توان آن را در ادراک پژوهشگران پی‌گیری کرد. یکی از سوءبرداشت‌ها، یکسان انگاشتن اختیار در این دو نظام فکری است. پژوهش‌گران پنداشته‌اند که تبیین اختیار به یک نتیجه در انسان‌شناسی منتهی می‌شود، لکن بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که دیدگاه آگوستین در این زمینه و نیز نظریهٔ امر الهی در آگوستین به سمت اشعری‌گری متمایل می‌گردد. بزرگ‌ترین سوءبرداشت، نادیده گرفتن بنیان «گناه نخستین» در تحلیل آرای آگوستین است. نادیده گرفتن این بنیان باعث می‌شود که پژوهش‌گران، عقلانیت و ایمان را در هر دو نظام فکری، نزدیک به یکدیگر تفسیر کنند. تقدم ایمان بر عقل در نگاه آگوستین، به دلیل فاسد شدن عقل انسان پس از هبوط است و در نظر ملاصدرا، ایمان جنبهٔ معرفتی دارد و به معنای پذیرش شهودیِ حقایقی است که هر چند عقل در ابتدا از درک آن عاجز است، اما به دلیل عقل‌ستیز نبودنِ آن‌ها، در نهایت با آن‌ها هم‌راستا می‌شود.

سنتز نهاییِ این پژوهش را می‌توان در یک مدل سه سطحی ارائه کرد: سطح نخست: سطح هم‌گرایی در سطح مسائل و پرسش‌های بنیادین؛ سطح دوم: واگرایی و ناهمسانی در مبانی تبیینی؛ و سطح سوم: تمایز در منطق نهایی نجات و کمال. مزیت این مدل آنست که این امکان را فراهم می‌سازد تا یافته‌های پژوهش از پراکندگی خارج شوند و در یک چارچوب نظری منسجم قرار گیرند.

در سطح نخست نشان داده می‌شود که آگوستین و ملاصدرا در بسیاری از مسائل و پرسش‌های بنیادین با یکدیگر اشتراک دارند. هر دو دربارهٔ وجود خداوند، اوصاف الهی، منشأ معرفت، معرفت دینی، آفرینش و سیر نزولی، مسئلهٔ شر، عدل الهی، حیات اخروی و معاد می‌اندیشند. هم‌گرایی مفهومی در این سطح مشهود است و با پرسش‌های مشترکی روبرو هستند و مواضعی که اتخاذ می‌نمایند، به یکدیگر نزدیک است؛ به عنوان مثال، در مسئلهٔ معرفت و عقلانیت، هر دو بر این باورند که بدون هدایت و اشراق الهی و پیوند و اتصال با مبادی عالیه، نمی‌توان به معرفت حقیقی دست یافت. در قلمرو خداشناسی نیز، هر دو بر وجود خدا و تعالی مبدأ وجود، کمالات خداوند، وابستگی جهان به خداوند و نیاز موجودات به خداوند، اخلاق متعالی و معاد تأکید دارند. هم‌چنین در مسئلهٔ شر، هر دو با عدمی دانستن شر، هم خیر بودنِ مبدأ جهان و هم نظام احسن را حفظ می‌کنند و هم امکان تبیین نقصان‌ها و رنج‌ها را فراهم می‌نمایند. بر اساس این سطح، تطبیق میان این دو متفکر، ناموجه و تصنعی نمی‌باشد، زیرا آن‌ها در پرسش‌های کلان الهیات و فلسفی با یکدیگر هم‌راستا می‌باشند.

در سطح دوم، نشان داده می‌شود که هم‌گرایی به این معنا نیست که میان این دو نظام فکری، یک وحدت در پاسخ‌ها و ساختار آن‌ها وجود دارد. آگوستین در افق الهیات مسیحی با محوریت گناه نخستین

و سببیت این گناه در وضعیت انسان و سببیت فیض الهی در نجات می‌اندیشد، اما ملاصدرا در طرف دیگر در افق حکمت متعالیه و با تکیه بر مبانی اصالت و تشکیک وجود، حرکت جوهری و استکمال نفس نظامی را بنیان می‌نهد که در آن، جهان در صیرورت دائمی بوده و انسان به عنوان موجودی پویا در سیر استکمالی، حرکتی صعودی را طی می‌کند. بر این اساس، آگوستین مسئلهٔ انسان را در قالب هبوط و گنهکاری و نیاز به فیض الهی برای رهایی می‌فهمد و ملاصدرا آن را در قالب نقص، حرکت و فعلیت یافتن کمالات وجودی برای استکمال صورت‌بندی می‌کند.

سطح سومِ این مدل، حاصل ترکیب دو سطح اول و دوم و سنتز نهایی است. تطبیق این دو نظام فکری، به صورت ساختاری و با توجه به منطق درونی حاکم بر آن تحلیل می‌شود. در این سطح، از جستجوی تشابه و تفاوت گذر کرده و به یافتن محوری برای تمایز بنیادین می‌رسد. این محور بنیادین به گونه‌ای است که در منشور انسان، خدا و جهان قرار می‌گیرد و ابعاد مختلف هر نظام فکری را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. انسانِ هبوط‌کردهٔ گناهکار، در این جهان رنج می‌کشد، چون طبیعتِ تعبیدگاه اوست و خداوند به مدد فیض خود او را رها نموده و به رستگاری می‌رساند. تمایز ملاصدرا در اینست که در همان منشور بنیادین، جهان بستری برای حرکت استکمالی است و هدایت و مدد الهی نه برای رهایی که برای دریافت حقایق و رسیدن به سعادت است.

## ۵. نتیجه‌گیری

این پژوهش برای ارائهٔ مدل مفهوم برای مقایسه نظام‌های فکری ملاصدرا و آگوستین، یافته‌های سنتزپژوهانهٔ خود را در هفت مضمون ارائه کرد. تحلیل تلفیقی و سنتز نهایی این مضامین، سه سطح از نسبت تطبیقی میان این دو نظام را به عنوان مدل مفهومی آشکار ساخت. این مدل در سطح نخست اشتراک و هم‌سانی مفاهیم و مسائل را نشان می‌دهد که انگیزهٔ پژوهش‌ها برای مقایسهٔ آن‌ها را فراهم نموده و در مسائل مشابهی مانند وجود خدا و اوصاف الهی، مسئلهٔ شر، مسئلهٔ آفرینش و زمان، عقلانیت و معرفت دینی و معاد نمودار است. در سطح دوم، یک ناهمسانی در پاسخ به این مسائل وجود دارد که مبتنی بر بنیان‌های الهیاتی، هستی‌شناختی و انسان‌شناختی است. ترکیب این دو سطح در سطح سوم با تمایز منطق حاکم بر این دو نظام نشان داده می‌شود که حاصل تعامل میان سه ضلع منشور انسان، خدا و جهان است. تمایز این دو پارادایم فکری را در یک زمینهٔ فلسفی–دینی، می‌توان تمایز میان بشارت برای نجات و هدایت برای کمال دانست. این پژوهش نشان می‌دهد که تطبیق میان این دو نظام فکری امکان‌پذیر است و هنگامی معتبر است که با مدلی مفهومی، از سطح مفاهیم و مسائل فراتر رود و به تحلیل منطق درونی آن‌ها برسد.

## منابع


۱. حسینی‌شاهرودی، سید مرتضی و دارابی، کوکب (۱۳۹۵)، *پاسخ‌های فلسفی ملاصدرا و آگوستین به مسئله شر*، الهیات تطبیقی، (۱۵)، ۱-۱۴.

۲. حسینی‌شاهرودی، سید مرتضی، مسعودی، جهانگیر و دارابی، کوکب (۱۳۹۷)، *رابطه اختیار و شرور اخلاقی از دیدگاه ملاصدرا و آگوستین*، آیین حکمت، (۳۸)، ۵۷-۸۰.

۳. خنافره، محمد امیر (۱۳۹۲)، *ماهیت زمان در اندیشه ملاصدرا و آگوستین* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید چمران اهواز.

۴. زنگنه‌تبار، سجاد (۱۴۰۲)، آموزش *اسماء و صفات الهی از دیدگاه آگوستین و ملاصدرا و تأثیر آن در سبک زندگی ایمانی*، فقه و حقوق نوین، (۱۷)

۵. زمانی، زهره و اکبری، فتحعلی (۱۳۹۸)، *بررسی و تحلیل ماهیت خلود اهل عذاب از منظر آگوستین و ملاصدرا*، حکمت صدرایی، ۷(۲)، ۷۱-۸۲.

۶. سالاروند، زهرا (۱۳۹۲)، *بررسی تطبیقی رابطه ایمان و عقلانیت از دیدگاه آگوستین قدیس و ملاصدرا* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید رجایی.

۷. عابدی، احمد و منفرد، مهدی (۱۳۸۸)، *بررسی و تطبیق بحث زمان در فلسفه سنت آگوستین و صدرالمتألهین*، پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ۲(۴۲)، ۲۴۱-۲۵۶.

۸. عندلیب، نفیسه (۱۳۹۰)، *بررسی تطبیقی معناشناسی اوصاف الهی از دیدگاه ملاصدرا و آگوستین* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم.

۹. قاسمی زواجری، زهرا (۱۳۹۲)، چگونگی *آفرینش از دیدگاه آگوستین و ملاصدرا* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه ملایر.

۱۰. قلی‌زاده خوش‌بیان، مهدی (۱۳۹۳)، *رابطه انسان و خدا از نظر صدرالمتألهین و سنت آگوستین* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم.

۱۱. کاکائی، قاسم و جباره‌ناصرو، محبوبه (۱۳۹۷)، *بررسی تطبیقی ارتباط مرگ و گناه در آثار آگوستین قدیس و ملاصدرا*، آینه معرفت، (۵۴)، ۳۷-۶۲.

۱۲. کاکائی، قاسم و جباره‌ناصرو، محبوبه (۱۳۹۸)، *بررسی تطبیقی مرگ‌اندیشی از دیدگاه آگوستین قدیس و ملاصدرا*، تأملات فلسفی، (۲۲)، ۱۱-۴۱.

۱۳. کرمی‌قهی، محمدتقی (۱۳۹۵)، *معادشناسی تطبیقی (مقایسهٔ تطبیقی معاد جسمانی نزد صدرالدین شیرازی و آگوستین)*، حکمت صدرایی، ۵(۱)، ۹۹-۱۱۲.

۱۴. مرادی، احمدرضا (۱۳۹۰)، *بررسی تطبیقی عقل و وحی از نظر ملاصدرا و آگوستین* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه اصفهان، مبانی نظری اسلام.

۱۵. مرادی، علی (۱۴۰۳)، *تأثیر فرشتگان در رستگاری انسان در اندیشه آگوستین و ملاصدرا* (رساله دکتری)، دانشگاه زنجان.

۱۶. محمودکلایه، زهرا، اکبریان، رضا و سعیدی‌مهر، محمد (۱۳۹۶)، *عقلانیت از نظر آگوستین و ملاصدرا*، اندیشه دینی، (۶۲)، ۱۲۹-۱۵۲.

۱۷. هاشمی‌زاده، فاطمه‌السادات (۱۳۹۰)، *دین و اخلاق از دیدگاه صدرالمتألهین و سنت آگوستین* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشکده الهیات.

18. Ring, N. A., Ritchie, K., Mandava, L., & Jepson, R. (2011). *A guide to synthesising qualitative research for researchers undertaking health technology assessments and systematic reviews*. NHS Quality Improvement Scotland.

19. Thomas, J., & Harden, A. (2008) . *Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews*. BMC Medical Research Methodology, 8.(45).